



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



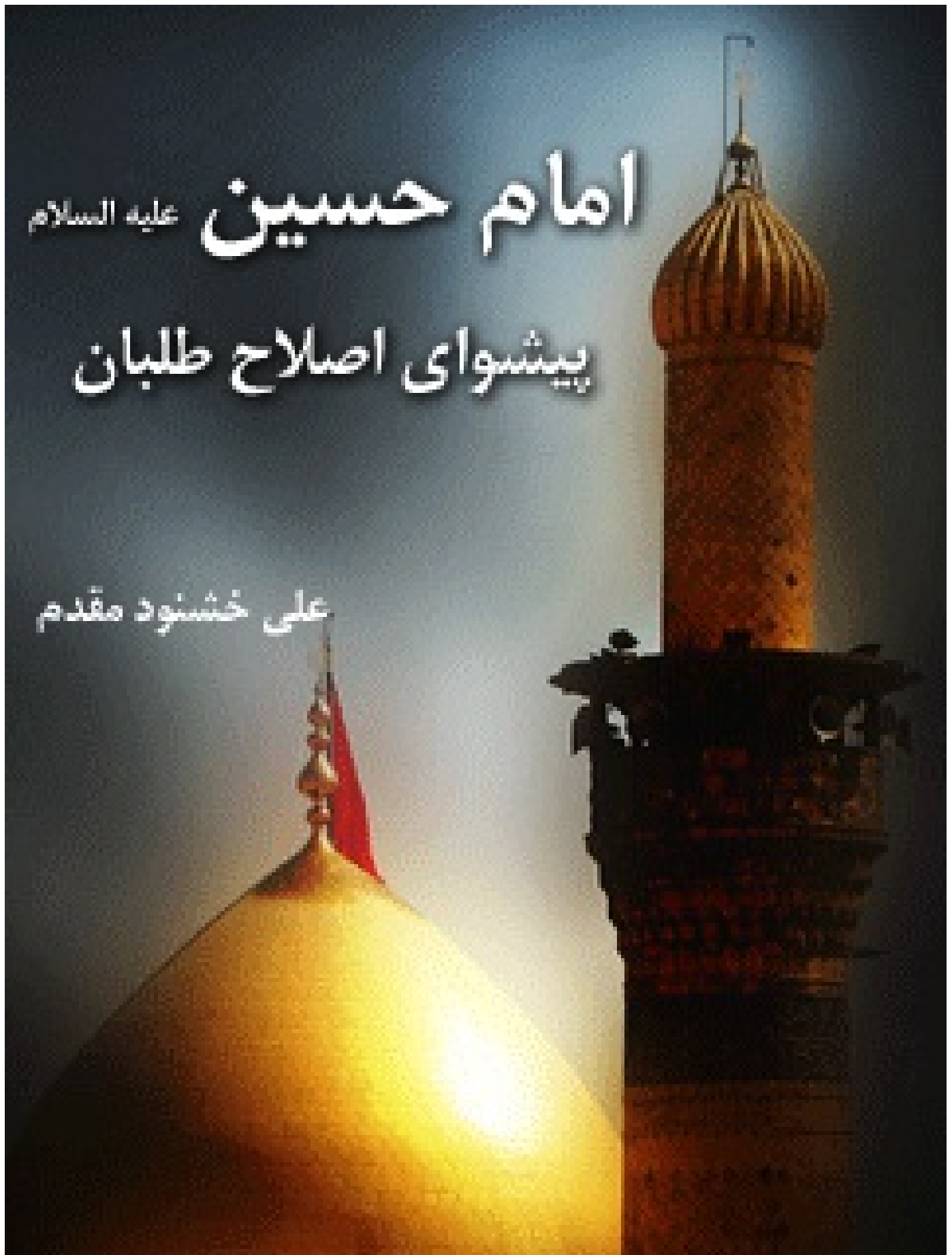
عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

امام حسین علیه السلام

پیشوای اصلاح طلبان

علی خوشنود مقدم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام حسین (ع) پیشوای اصلاح طلبان

نویسنده:

علی خشنودمقدم

ناشر چاپی:

علی خشنودمقدم

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---|
| ۵ | فهرست |
| ۶ | امام حسین(ع) پیشوای اصلاح طلبان |
| ۶ | مشخصات کتاب |
| ۶ | مقدمه |
| ۷ | مفهوم واژه اصلاح |
| ۷ | امام حسین و اندیشه اصلاح طلبی |
| ۸ | انگیزه‌های انقلاب امام حسین |
| ۹ | ماهیت انقلاب امام حسین |
| ۱۱ | نتیجه |
| ۱۲ | درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان |

امام حسین(ع) پیشوای اصلاح طلبان

مشخصات کتاب

عنوان: امام حسین (ع) پیشوای اصلاح طلبان

پدید آورندگان: امام سوم حسین بن علی(ع)(توصیف گر)

علی خشنودمقدم(پدید آور همکار)

وضعیت نشر: قم: علی خشنودمقدم، ۱۳۸۷

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: تاریخ اسلام

اصلاح طلبان

قیام عاشورا

اصلاح طلبی

مقدمه

مهم‌ترین موضوعی که در انقلاب امام حسین (ع) توجه مردم را به خود جلب نموده جنبه تاریخی و داستان انقلاب امام حسین (ع) است زیرا اوج مجدد و عظمت انسانی در قهرمانان کربلا - مخصوصاً در شخصیت بی‌نظیر امام حسین (ع) - متجلی است امام حسین (ع) با عده کم در مقابل دشمنان بسیار قابل مقایسه نبود و امید هیچ نوع پیروزی ظاهری وجود نداشت اما چون پای ایمان و عقیده و مرام و دفاع از مظلوم در میان بود از عزیزترین چیزهای خود که مال جان زن و فرزند بود با اخلاص و فداکاری گذشتند. انقلاب حسین (ع) نمایش دهنده عزت و اقتدار یاران امام حسین (ع) و خواری و زبونی فکری و اخلاقی حکومت اموی و عمال و مزدوران آنان بود. تاریخ شاهد فجیع‌ترین حادثه سال شصت و یک هجری است که انقلابیون قهرمان در نهایت مظلومیت به خاک و خون کشیده شدند. انقلاب اباعبدالله (ع) مظهر و تجلی صفات عالی انسانی بود. یاران آن حضرت دل در گرو امام (ع) داشتند و از پرتو افشانی آن وجود نازنین نور و روشنایی می‌گرفتند. کربلا صحنه ظهور و بروز همت و مردانگی یاران حسین (ع) بود که برای رسیدن به لقای پروردگار داوطلبانه لباس رزم می‌پوشیدند تا در مصاف دشمن غدار وفاداری خود را به حسین (ع) به اثبات برسانند. انقلاب حسین (ع) علل و عوامل مختلف دارد. در واقع ریشه‌های هر انقلاب را باید در نظام اجتماعی جست و جو کرد که انقلاب در آن به وجود آمده است باید دید چه علل و عوامل و شرایطی زمینه‌ساز انقلاب امام حسین (ع) شدند. شرایط سیاسی و اجتماعی ای که انقلاب امام حسین (ع) در آن به وقوع پیوست و اوضاع و شرایطی که موجب این انقلاب شد و آثاری که این انقلاب در حیات جامعه اسلامی از خود به جا گذاشت از جمله مباحثی است که باید در بحث امام حسین (ع) و اصلاحات مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد. زمانی که امام حسین (ع) به امامت رسید، کسانی به ظاهر ادعای مسلمانی داشتند ولی در باطن کافر بودند. عده‌ای از افراد هم بودند که اقوامشان در جنگ‌های اسلامی کشته شده بودند و بالاخره عده‌ای هم بودند که هدفشان خشکاندن ریشه اسلام و به دست گرفتن قدرت و حکومت بود. امام حسین (ع) از آغاز این جنبش ضد اسلامی در همه صحنه‌ها ناظر و مراقب بود، مدتی در

دوران حکومت امام علی (ع) و همراه با برادر بزرگوارش امام حسن (ع) و مدتی هم در زمان حکومت کوتاه امام حسن (ع) بانبروهای منحرف و کج‌اندیش مسلمان‌نما مبارزه کرد. اینک پس از شهادت امام حسن (ع) در صحنه مبارزه با کافران ملحدان و منافقان تنها مانده بود. امام حسین (ع) انحراف امت اسلامی را از خط اسلام و قرآن و سیره پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) به چشم خود می‌دید. حسین (ع) روشی را که معاویه و عمال مزدورش برای به انحراف کشاندن امت اسلامی در پیش گرفته بودند، مشاهده می‌کرد. اومی دید که مردم بی‌گناه به دلیل مخالفت با مطامع پست قدرت حاکم دچار گرسنگی و فشار و شکنجه می‌شوند. او می‌دید که احکام اسلام توسط عالمان دربار مورد تعرض قرار گرفته و برای تأمین منافع سیاسی و اجتماعی حکومت بدعت‌های بی‌شماری در دین اسلام به وجود آمده است حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال کردند. فسق و فجور و بی‌عدالتی و فساد، امت اسلام را تهدید می‌کرد. اجتماعی که تحت سلطه حکومت اموی قرار داشت با حرف و شعار اصلاح‌پذیر نبود. حرف‌های خدایی در دل‌های بیمار و مرده هیچ تأثیری ندارد. جامعه به بند کشیده شده شدیداً به رهبری مصلح نیاز داشت تا با اصلاح فکری و اخلاقی جامعه افکار مسموم اجتماع را از دل‌ها و ذهن‌های منحرف پاک کند. جامعه اسلامی به یک پالایش عمیق فکری و روحی نیاز داشت تا از انحراف و فساد و بی‌عدالتی نجات پیدا کند. امام حسین (ع) برای سامان دادن اوضاع اسف‌بار امت اسلامی رسالتی بر عهده داشت که می‌بایست بدان جامعه عمل می‌پوشاند. ایشان برای حفظ مصالح عمومی مسلمانان دفاع از حق مظلوم بقا و عظمت اسلام و حکومت قرآن به‌خاطر مسئولیت بزرگ امامت برای حفظ ناموس و شرف مردم به‌خاطر امر به معروف و نهی از منکر و برای اصلاح حال امت قیام کرد. با قیام خود سرمشق و الگویی شد برای مبارزه با ستم‌گران و مفسدان در همه اعصار و قرون و تا زمانی که زمین در سیطره ظلم و ستم و فساد قرار دارد. آری مجاهدت‌های امام حسین (ع) و یارانش عملی شد و انقلاب او به وقوع پیوست

مفهوم واژه اصلاح

واژه اصلاح در مقابل واژه افساد است اصلاح به معنای به صلاح آوردن سر و سامان دادن آراستن و نیکی کردن به کسی است اصلاح به هر نوع تغییری - سیاسی یا اجتماعی - گفته می‌شود. واژه (رفورم) = اصلاح در کاربرد روزمره معمولاً مفاهیم پیشرفت ترقی و نوسازی را به ذهن متبادر می‌کند. اما معانی آن در مباحثات میان گروه‌های دینی و مذهبی به این اندازه محدود نیست بلکه در متن موضوعاتی بی‌نهایت متفاوت به - کار می‌رود و به طیف گسترده‌ای از مسائل فردی و اجتماعی - به ویژه مسائل و موضوعات دینی - اشاره و عنایت دارد. اصلاح و افساد، دو واژه متضاد در قرآن است که بارها در قرآن مطرح شده‌اند. این واژه‌های اجتماعی و اعتقادی دو به دو در برابر هم قرار می‌گیرند تا بهتر شناخته شوند؛ مثل واژه‌هایی از قبیل ایمان و کفر، علم و جهل عدل و ظلم خیر و شر، شکر و کفران وحدت و اختلاف هدایت و ضلالت و غیره. این واژه‌ها از آن جهت در کنار یک دیگر قرار گرفتند که یکی باید نفی و طرد شود و دیگری به مورد اجرا گذاشته شود، تا مرز میان اصلاح و افساد مشخص گردد. مورد استفاده «اصلاح در قرآن گاهی «اصلاح اجتماع و گاهی «اصلاح ذات‌البین و زمانی «اصلاح محیط خانوادگی است هدف از مفهوم واژه اصلاح در مباحث مطروحه اصلاح در سطح اجتماع و به عبارت کامل‌تر، اصلاح اجتماعی است

امام حسین و اندیشه اصلاح طلبی

امامان شیعه در زمانی که جامعه اسلامی گرفتار انحراف و انحطاط و افساد بود؛ برای اصلاح آن دست به قیام می‌زدند. در همان حال زمینه انقلاب اجتماعی را فراهم می‌آوردند. امام حسین (ع) نیز به عنوان یک مصلح دست به قیام زد. تا زمینه اصلاح اجتماعی را فراهم آورد. امام حسین (ع) در زمان معاویه خود را برای قیام آماده می‌کرد. بزرگان صحابه را در منی جمع و برای آنها سخنرانی

کرد. آنها را با حقایق موجود جامعه آشنا کرد و با بیان اوضاع و احوال جامعه برای آنها فرمود: شما هستید که چنین وظیفه‌ای دارید. آن حدیث معروف که در تحف العقول مسطور است این جریان را کاملاً نشان می‌دهد و این که امام حسین (ع) چگونه فکر می‌کرده است حسین (ع) در اواخر عمر معاویه نامه‌ای به او می‌نویسد و او را زیر رگبار ملامت خود قرار می‌دهد و از آن جمله می‌گوید: معاویه بن ابوسفیان به خدا قسم من از این که الان باتو نبرد نمی‌کنم می‌ترسم در بارگاه الهی مقصر باشم [یعنی خیال نکن اگر حسین امروز ساکت است در صدد قیام نیست] من دنبال یک فرصت مناسب هستم تا قیام من مؤثر باشد و مرا در راه آن هدفی که برای رسیدن به آن کوشش می‌کنم یک قدم جلو ببرد. امام حسین (ع) زمانی که از مکه بیرون می‌آید در وصیت‌نامه معروف خود خطاب به برادرش محمد حنفیه به کار خود عنوان «اصلاح و به خود عنوان «مصلح داد. در آن جا چنین نوشت «أَنْتِي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ خَيْرِي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ خَيْرِي وَ أَبِي قِيَامٍ مِنْ قِيَامِ فِرْدَى جَاهِ طَلْبِ يَأْ كَامِ جَوْ يَأْ شَوْبِ غَرِّ وَ يَأْ سَتَمِ غَرِّ نَيْسْتِ دَرِ جَسْتِ وَ جَوْ يَأْ صِلَاحِ كَارِ امْتِ جَدَمِ بَهْ پَا خَاسْتَهَامِ ارَادَه دَارَمِ اَمْرَ بَهْ مَعْرُوفِ وَ نَهْيِ اَزِ مَنْكَرِ كَنْمِ وَ بَهْ سِيرَتِ رَسُولِ خُدَا (ص) جَدَمِ وَ پَدْرَمِ عَلِي (ع) رِفْتَارِ نَمَايَمِ . امام حسین (ع) به عنوان یک مصلح اجتماعی با حرکت خاص خود در زمانی که مسیر اسلام و اجتماع مسلمین به انحراف گراییده بود، زمینه یک اصلاح اجتماعی بزرگ را فراهم می‌سازد. یاران و طرفداران حق را به تهذیب نفس و تقوای الهی دعوت می‌کند و به این نکته واقف است که اصلاح فردی بدون توجه به اصلاح اجتماعی سودی ندارد و اصلاح اجتماعی بدون اصلاح فردی عملی عقیم و ابر است امام حسین (ع) به عنوان یک مصلح چندین سال موضوع امر به معروف و اصلاح فردی و اجتماعی را برای حفظ سنت‌های اصیل اسلامی به عنوان یک اصل اساسی یادآوری می‌نماید. یک متفکر اسلامی چنین می‌گوید: «درد آشنایی روشن بینی آرمان خواهی و اصلاح طلبی انسان را حر و آزاد و باشهامت بارمی‌آورد. انسان درد آشنای روشن بین آرمان خواه اصلاح طلب نخست می‌کوشد تا خود را اسیر هیچ قید و بندی نکند و در دام عنوانی مقامی وظیفه‌ای در آمدی و... نیفتد. این چنین کسی سپس آنچه را دید و دانست و درک کرد می‌گوید، هم درست می‌فهمد و هم با شهامت ابراز می‌دارد.» از این رو اسلام برای اصلاح رهبری فکری و سیاسی جامعه تأکید کرده پیروان خود را علیه رهبران مفسد برمی‌شوراند تا نظام‌های جور را از بین برده رهبری آن را به افراد صالح و با تقوا برگرداند. چنان که امام حسین (ع) انگیزه انقلاب خود را این چنین بیان می‌فرماید: «ایها الناس ان رسول الله (ص) قال من رأى سلطاناً جائراً مستحلاً لحرام الله، ناكثاً لعهد الله، مخالفاً لسنة رسول الله، يعمل في عباد الله بالاثم والعدوان فلم يغير عليه بفعل ولا قول كان حقاً على الله ان يدخله مداخله آلا و ان هولاء قد لزموا طاعة الشيطان و تركوا طاعة الرحمن و اظهروا الفساد و عطلوا الحدود و استأثروا باللقى و اهلوا حرام الله و حرّموا حلاله و انا احق من غير؛ ای مردم پیامبر خدا (ص) فرمود: هر کسی سلطان زور گویی را ببیند که حرام خدا را حلال نموده پیمان الهی را در هم شکسته با سنت و قانون پیامبر از در مخالفت درآمده در میان بندگان خدا راه گناه و دشمنی در پیش می‌گیرد، اگر در برابر چنین زمامداری با عمل و یا با گفتار خویش مخالفت ننماید، برخداوند است که این فرد (بی تفاوت را به جایگاه همان طغیان گر که آتش جهنم است داخل گرداند. ای مردم آگاه باشید، اینان (بنی امیه اطاعت خدا را ترک و پیروی از شیطان را پیشه خود ساخته‌اند. فساد را ترویج و حدود الهی را تعطیل نموده فیء را به خود اختصاص داده و حلال و حرام خداوند را تغییر داده‌اند. در حالی که من به هدایت و رهبری جامعه مسلمانان از دیگران شایسته‌ترم. اندیشه اصلاح طلبی در سخنان امام حسین (ع) کاملاً هویدا است بنابراین برای جلوگیری از اطاله کلام از آوردن نمونه‌های مشابهی از سخنان امام حسین (ع) در این خصوص خودداری کرده و خوانندگان عزیز را به متون معتبری که در این زمینه نگاشته شده ارجاع می‌دهیم

انگیزه‌های انقلاب امام حسین

یکی از علل قیام امام حسین (ع) فساد حکومت اموی بود. حضرت در سخنان متعددی فساد بنی امیه را مطرح فرموده است از جمله

در نطقی که پس از فرود آمدن در «بیضه ایراد کرد و روی اطاعت از شیطان ترك اطاعت خدا، فساد آشکار، تعطیل حدود الهی حلال کردن حرام‌های خدا و تحریم حلال الهی و بیت‌المال را ملک خود دانستن تأکید نمود. در سخنان معروف خویش پس از فرود آمدن در سرزمین کربلا روی مسائلی مانند: دگرگونی اوضاع عمل نشدن به حق و نکوهیده ندانستن باطل تأکید کرده و فرمود: «الْأَلَاءُ تَرْوُونَ أَنْ الْحَقَّ لَا يَعْزِلُ بِهِ وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَثْنَاهِي عَنْهُ..» انگیزه قیام امام حسین (ع) بیشتر جنبه اجتماعی داشت اگر بخواهیم سیر تحولات انقلاب امام حسین (ع) را مورد بررسی قرار دهیم از آغاز حرکت آن حضرت از مدینه تا کربلا، این انگیزه به چشم می‌خورد. امام حسین (ع) برای دفاع از اسلام و احقاق حق ملت اسلامی قیام کرد. امام حسین (ع) بر ضد یزید قیام کرد که مظهر حکومت اموی بود. حکومتی که بیت‌المال مسلمین را صرف خوش گذرانی و عیاشی خود می‌کرد. حکومتی که مسلمانان غیر عرب را مورد اذیت و آزار قرار می‌داد و با ایجاد تفرقه و دو دستگی میان مسلمانان عرب و غیر عرب وحدت و همبستگی مسلمانان را از بین می‌برد. حکومتی که همه افرادی را که با سیاست قدرت حاکمه موافق نبودند تبعید و بی‌خانمان می‌کرد و یا به طرز فجیعی به شهادت می‌رساند. تعصبات قومی و قبیله‌ای را تحریک می‌نمود تا هویت اجتماعی ملت اسلامی مورد تهدید و نابودی قرار گیرد. حکومتی که هر گونه آزادی خواهی و اظهار عقیده را بابتدعت‌گذاری و اسلام زدایی و تحریف حقایق دینی به انحراف می‌کشاند. امام حسین (ع) در چنین شرایط اسف باری دست به انقلاب زد. چنان که خود حضرت در وصیتی که به برادرش محمد حنفیه نوشت فرمود: «انگیزه نهضت و انقلاب من هوا و هوس و تمایلات بشری نیست هدف من فساد و ستم‌گری نیست بلکه هدف من اصلاح اوضاع نابسامان امت جدم پیامبر (ص) است هدف من امر به معروف و نهی از منکر است هر کس دعوت مرا به پاس احترام حق پذیرفت زهی سعادت چون خدا همیشه پشتیبان حق است و هر کس نپذیرفت شکیبایی اختیار خواهم کرد تا خدا داور میان من و این قوم به حقیقت داوری کند، زیرا اوبهترین داوران است»

ماهیت انقلاب امام حسین

مورد دیگری که نشان دهنده ماهیت انقلاب امام حسین (ع) است زمانی است که حضرت با حر بن یزید ریاحی برخورد می‌کند و سپاهیان حُر را مخاطب قرار داده می‌فرماید: «ای مردم پیامبر (ص) فرمود: هر کس فرمان روای ستم‌گر و ظالمی را بنگرد که محرمات الهی را حلال شمرده پیمان خدا را می‌شکند و با روش پیامبر (ص) مخالفت می‌ورزد و در میان مردم با تعدی و تجاوز رفتار می‌کند، با این همه با سخن و با عمل خود، او را از اعمال ناروای خود باز ندارد مثل همان ستم‌گر مستحق عذاب الهی خواهد بود. ای مردم آگاه باشید که اینها تن به اطاعت شیطان در داده و از بندگی پروردگار سرباز زده‌اند. اینان مفاسد و تبه‌کاری‌ها را رواج بخشیده حدود و کیفر اسلامی را در مورد تبه‌کاران تعطیل نموده‌اند. اینها بیت‌المال و اموال عمومی را به خود اختصاص داده حرام‌خدا را حلال شمرده و حلال الهی را حرام کرده‌اند. این گونه عناصر فاسد و آلوده هرگز شایسته حکومت و زمامداری مسلمانان نیستند. من از هر کس برای رهبری جامعه اسلامی شایسته‌ترم و در مبارزه با این مفاسد و اصلاح این نابسامانی‌ها بر همه مقدم هستم ای مردم شما به من نامه نوشتید و پیام‌ها فرستادید که به سوی شما بیایم وعده دادید که دست از یاری من بردارید و پیمان شکنی نکنید. اینک که من به سرزمین شما آمده‌ام اگر به عهد خود وفا کنید و مرا تنها نگذارید، به هدایت حقیقی می‌رسید، زیرا من حسین بن علی (ع) فرزند فاطمه دختر پیامبر (ص) هستم من خود در میان شما و خانواده من همراه خانواده شما در غم و شادی و رنجی و زحمت شما شریک خواهیم بود، ولی اگر پیمان شکنی و نقض بیعت کنید به جانم سوگند که این نخستین بار نیست که چنین ننگی را مرتکب می‌شوید، زیرا شما با پدر، برادر و پسر عمویم مسلم بن عقیل نیز چنین بی‌وفایی‌ای کردید. فریب خورده کسی است که به وعده‌های پوچ شما دل ببندد. شما با این سستی و ترس خود را بدبخت کردید و بهره خود را ضایع نمودید. هر کس پیمان خود را بشکند چوب بدقولی و پیمان شکنی خود را می‌خورد.» امام حسین (ع) در سخنان خود انگیزه قیام خود را بیان

می‌کند که عبارت است از: تحریف حقایق دین ظلم و فساد، گرسنگی و فشار، ضایع کردن بیت‌المال مسلمین و رواج یافتن بدعت‌ها. ایشان نقاط ضعف و علت ترس مردم عراق را به خوبی می‌شناخت مردمی راحت‌طلب که به خاطر ترس از اعمال وحشیانه عمال یزید جرأت ابراز وجود کردن به خود نمی‌دادند. آنها زندگی همراه با خواری و زبونی را به حرکت‌های اصلاح‌طلبانه ترجیح می‌دادند. امام حسین (ع) در آخرین ساعات جنگ بار دیگر به علل و انگیزه‌های قیام خود اشاره فرمود. مورخان می‌نویسند: امام (ع) بر مرکب خود سوار شده و به سوی دشمن تاخت و از آنها خواست که سکوت کنند ولی آنها ساکت نشدند. فرمود: «وای بر شما چرا ساکت نمی‌شوید؟ چرا به سخنان من گوش نمی‌کنید؟ من شما را به راه رستگاری و هدایت دعوت می‌کنم هر کس از من اطاعت کند، از هدایت یافتگان خواهد بود و هر کس سرپیچی کند، به هلاکت خواهد رسید. چه شده است که همه از اطاعت امر من سر باز می‌زنید. به سخنان من گوش نمی‌دهید؟ شکم‌های شما از حرام پر شده و بر دل‌های شما مَهر بدبختی زده شده است وای بر شما، آیا باز هم سکوت نمی‌کنید؟ آیا باز هم گوش نمی‌دهید؟» سپاهیان عمر بن سعد یک‌دیگر را ملامت نمودند و گفتند: گوش کنید ببینیم حسین (ع) چه می‌گوید. در این هنگام امام با کمال فصاحت و بلاغت سخن آغاز کرد و حمد و سپاس خدا را به جای آورد و به پیامبر اسلام (ص) و فرشتگان و دیگر انبیا و فرستادگان الهی درود فرستاد و آن گاه فرمود: «ای مردم مرگ بر شما! مگر شما نبودید که به من نامه نوشتید و استغاثه کردید و مرا به یاری خویشتن خواندید، ولی اکنون که به استغاثه شما پاسخ داده و به فریاد شمارسیده‌ام شمشیرهای خود را بر روی من کشیده‌اید و شعله آتشی را متوجه ما ساخته‌اید که ما آن را برای نابودی دشمنان مشترک مان افروخته‌ایم چه شد که بعد از آن همه وعده‌ها و دعوت‌ها صفحه زندگی‌تان ورق خورد و بر ضد دوستان خود گرد آمدید و به نفع دشمنان‌شان برای منکوب کردن دوستان خود آستین بالا زدید؟ دشمنان شما نه عدالت‌گستری کردند که شیفته عدالت آنها شوید و نه امید آینده‌ای بهتر برای شما باقی گذاشتند تا بهانه دل‌بستگی شما باشد. شما به خاطر اندکی از مال حرام دنیا که بنی‌امیه به شما دادند و برای این که به زندگی پست و ناچیزی برسید به سوی من حمله می‌کنید، بدون آن که کوچک‌ترین گناهی داشته باشم وای بر شما که از ما دوری می‌جوئید. وای بر شما که ما را ترک می‌گویید، شما آتش فتنه را دامن زدید و مانند ملخ‌های ناتوان از جا جستید و هم چون مگس‌ان دور فتنه جمع شدید، در حالی که شمشیرها در نیام و دل‌ها آرام و فکرها بی‌تشویش بود. خاک بر فرق شما باد، ای نوکران فرومایه ای گروه کج‌روان که کتاب خدا را به سویی افکندید، گول شیطان را خوردید، در نافرمانی خدا متحد شدید، کتاب خدا را تحریف نمودید، چراغ الهی را خاموش ساختید، فرزندان پیامبر (ص) را کشتید، خاندان اوصیا را به نابودی کشیدید، نطفه زنا را به نسب ملحق کردید، به بندگان مؤمن آزار رساندید، با استهزاء کنندگان پیامبر (ص) که کتاب آسمانی را پاره پاره کردند هم صدا شدید، چه بدکاری کردید و به دست خود عذاب ابدی را خریدید. شگفتا که شما به معاویه بن ابی‌سفیان و پیروان او کمک کردید و ما را که خاندان پیامبریم خوار نمودید. آری این دست از یاری ما کشیدن و این پیمان‌شکنی شعار شماست ریشه شما از این نیرنگ بازی‌ها آب خورده و شاخه‌های پلید شما از این ریشه ناپاک نیرو گرفته است دل‌های شما بر این ناپاکی‌ها استوار و سینه‌های شما از این شیطنت‌ها لبریز است شما کثیف‌ترین میوه‌ای هستید که طعمه زورمندان و غاصبان شده و برای هر تماشاگری مایه اندوه گشته‌اید. لعنت خدا بر شما مردم پیمان‌شکن باد که بیعت کردید و خدا را بر بیعت خود گواه گرفتید و آن گاه تعهد خود را زیر پا گذاشتید. ای مردم آگاه باشید، من آنچه لازم بود بگویم گفتم و شما را از خشم و عذاب الهی ترساندم اکنون که کمر به قتل مرا بسته‌اید، با آن که یار و مدافعی ندارم با همین عده اندک از جوانان خاندان هاشمی به جهاد خواهم پرداخت» امام حسین (ع) در این خطبه از وضع واقعی و انحرافات زندگی و کج‌روی‌ها و کج‌اندیشی‌ها و بی‌وفایی عراقیان و از تظاهر به حمایت از جنبش‌های اصلاحی سخن به میان آورده است که ابتدا دعوت به انقلاب و تغییر وضع نابسامان خود می‌کنند. نامه می‌نویسند، اعلام آمادگی می‌کنند همین که قضیه صورت جدی به خود گرفت در موقع عمل در جبهه مقابل نیروهای اصلاح‌گر قرار می‌گیرند و به قول معروف از پشت به انقلاب و انقلابیون خنجر می‌زنند. از میدان

مبارزه به در می‌روند. اما انقلابیون که موقعیت جامعه را درک کردند به وضعیت آشفته آن واقف‌اند تا آخرین لحظه در مقابل دشمن ایستادگی کرده تا به شهادت برسند. امام حسین (ع) در سخنان خود علل و انگیزه قیام خود را به صراحت اعلام می‌کند. به نامه‌ها، دعوت‌ها و عهد و پیمان‌های عراقیان اشاره می‌کند تا سپاهیان اموی به فلسفه انقلاب حسین بن علی (ع) پی ببرند. فلسفه و انگیزه‌ای که جز اصلاح وضع نابسامان امت اسلامی نبوده است حرکت امام حسین (ع) از مدینه به مکه و امتناع امام از بیعت با یزید و سخنان ایشان در منی و سپس در «بیضه و وصیت‌نامه‌اش به برادرش محمد حنفیه و سخنان آن حضرت در مقابل سپاهیان حُر بن یزید ریاحی و در مراحل مختلف جنگ نشان دهنده علل و انگیزه‌های قیام و انقلاب امام حسین (ع) است انقلابی که به منظور اصلاح فردی و اصلاح اجتماعی صورت گرفت با مجاهدت‌ها و دلاوری‌های امام حسین (ع) و یارانش همراه بود. در حافظه تاریخ ثبت شد و اثبات کرد که با حرف و شعار و پند و اندرز نمی‌توان به حرکت‌ها و جنبش‌های اصلاحی امیدوار بود. بلکه برای اصلاح فردی و اصلاح اجتماعی قیام و انقلاب امری اجتناب‌ناپذیر است بی‌تردید اصلاح طلبی و آرمان‌خواهی که با خون و شهادت رقم خورده برای همیشه تاریخ جاودانه و ماندگار خواهد بود.

نتیجه

اصلاح طلبی هدف همه پیامبران و امامان و از شعارهای همه صلحا و رهبران دینی و اجتماعی بوده است گفتار، کردار و رفتار آنان نیز شاهی بر این قضیه محسوب می‌شود. آنها نه به تنهایی برای انذار و ارشاد در بخشش گناهان آمده بودند و نه برای حمایت از ستم‌گران و متجاوزان و تخدیر توده‌ها، بلکه هدفشان اصلاح جامعه به معنای مطلق و وسیع کلمه بوده اصلاح در تفکر و اندیشه یعنی اصلاح در نظامات سیاسی و فرهنگی و اجتماعی جامعه اصلاح در نگرش‌ها و باورها، اصلاح در همه ابعاد اجتماعی اصولاً اصلاح طلبی یک روحیه اسلامی است هر مسلمانی به حکم این که مسلمان است خواه ناخواه اصلاح طلب و لاقط طرفدار اصلاح طلبی است زیرا اصلاح طلبی هم به عنوان یک «شأن پیامبری در قرآن مطرح است و هم مصداق امر به معروف و نهی از منکر است که از ارکان تعلیمات اجتماعی است البته هر امر به معروف و نهی از منکر لزوماً مصداق اصلاح اجتماعی نیست ولی هر اصلاح اجتماعی مصداق امر به معروف و نهی از منکر هست پس هر مسلمان آشنا به وظیفه از آن جهت که خود را موظف به امر به معروف و نهی از منکر می‌داند، نسبت به اصلاح اجتماعی حساسیت خاصی دارد. امام حسین (ع) یک مصلح اجتماعی است حضرت برای اصلاح اجتماعی عصر خود دست به قیام مسلحانه علیه ظلم و فساد می‌زند و در همان حال که زمینه اصلاح اجتماعی را فراهم آورد، یاران و طرفدارانش را به تهذیب نفس و تقوای الهی فرا می‌خواند. چون اگر اصلاح طلبان خود صالح نباشند، نه معنای اصلاح را به خوبی درک می‌کنند و نه بر فساد و تباهی و ستم می‌توانند فائق آیند. در مسیر مبارزه با ظلم و فساد ممکن است به جای اصلاح آوردن دیگران خود تسلیم فساد شوند. بنابراین اصلاح فردی از اصلاح اجتماعی تفکیک ورزیده است از این رو اسلام بر صالح بودن رهبری فکری و اجتماعی تأکید ورزیده است زیرا رهبر فکری و اجتماعی جامعه در افکار، عقاید، اعتقادات فرهنگ اخلاق و ارزش‌ها تأثیر بسزایی دارد. از این رو اسلام به پیروان خود توصیه می‌کند که گرد رهبران فاسد جمع نشوند و از اطاعت و فرمان برداری آنان سرباز زنند. چنان که امام حسین (ع) در مراحل مختلف حرکت خود از مدینه به مکه و در منی و بیضه و در مقابل سپاهیان حُر بن یزید ریاحی یکی از علل قیام خود را فساد خاندان بنی‌امیه بر می‌شمرد و از شایسته بودن خود برای حکومت با مردم سخن می‌گوید. مقاصد اصلاح اجتماعی انقلاب امام حسین (ع) از نظر خود آن حضرت قابل درک بود. همه کسانی که به امام نامه نوشته و او را به عراق دعوت کردند و همه افرادی که در هوای او سر و جان فدا کردند، ضرورت این امر را به خوبی درک کرده بودند و بر اساس همان علل و انگیزه‌هایی که در مباحث گذشته بیان شد اصلاح اجتماعی را لازم می‌شمردند و سپاه اموی را دعوت به تأیید این علل و عوامل و انگیزه‌ها می‌نمودند. بنابراین عواملی که به نظر یاران امام حسین (ع) انقلاب را ایجاب می‌کرد

عبارت بود از: فساد بی حد و حصر خاندان اموی ظلم و ستم و فساد خاندان بنی‌امیه اعمال سیاست زور و ستم و ارباب تحقیر و خواری ملت که توسط حکومت جور اموی به اجرا گذاشته می‌شد. در بحث‌های گذشته علل مختلف به وجود آورنده انقلاب امام حسین (ع) را مورد بحث قرار دادیم با بهره‌گیری از سخنان ارزشمند امام حسین (ع) اوضاع و شرایط فردی اجتماعی سیاسی و هم‌چنین انگیزه‌ها و اهداف انقلاب امام حسین (ع) را تشریح کردیم سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا امام حسین (ع) با قیام و انقلاب خود توانست به وضع نابسامان امت اسلامی سر و سامان دهد؟ آیا امام حسین (ع) موفق به پیاده کردن اصلاحات مورد نظر خود شد؟ آیا ایشان توانست فساد خاندان اموی را از بین برد؟ در پاسخ به این پرسش‌ها باید گفت که امام حسین (ع) از سرنوشتی که در انتظارش بود با خبر بود و به مناسبت‌های مختلف این مسئله را بیان کرده است بنابراین نباید هدف امام حسین (ع) را در اختیار گرفتن حکومت و قدرت دانست زیرا هدف انقلاب امام حسین (ع) رسیدن به پیروزی فوری نبود، ایشان کاملاً به این امر واقف بود که در آن شرایط به دست آوردن یک پیروزی نظامی ناممکن است نباید از انقلاب امام حسین (ع) همان انتظار را داشته باشیم که از سایر انقلاب‌های معمول جهان داریم بلکه باید آثار و انقلاب امام حسین (ع) را در زمینه‌های زیر جست و جو کنیم ۱- قطع نفوذ دینی ساختگی امویان که همواره به حکومت و سلطنت خود رنگ دینی می‌دادند و رسوا ساختن روح بی دینی و الحاد زمان جاهلیت که حکومت اموی را توجیه می‌کرد. ۲- گسترش احساس گناه در وجدان هر فرد مسلمان به طوری که احساس گناه‌مبدل به حالت انتقاد گردد و در پرتو آن هر فردی موقعیت خود را در برابر حیات و اجتماع مشخص سازد. ۳- ایجاد ارزش‌های اخلاقی جدید برای هر فرد عرب و مسلمان به طوری که متوجه عوالم نورانی و خیره‌کننده معنوی گردند. ۴- برانگیختن روح مبارزه و پیکار با فساد در هر فرد مسلمان به منظور استقرار جامعه بر پایه‌های جدید و به خاطر اعاده ارزش‌های انسانی انقلاب امام حسین (ع)، سرآغاز بیداری مردم و مبدأ پیدایش انقلاب‌های آزادی‌بخش بود. انقلاب امام حسین (ع) موجب شد که روح مبارزه در مردم زنده شود. موانع اصلاح فردی و اجتماعی در پرتو انقلاب امام حسین (ع) توسط مسلمانان و انقلابیون برداشته شود. دعوت کنندگان دیروز که امروز بعد از مدت‌ها آرامش خفت‌بار، به خود آمدند احساس موجودیت و انسانیت کردند. این امر مهم محقق نمی‌شد، مگر به قیام و انقلاب خونین امام حسین (ع) و یاران وفادارش که هدفی جز اصلاح حال امت اسلامی نداشتند. انقلاب امام حسین (ع) به لحاظ ماهیت اصلاح‌طلبی اسلام‌خواهی و ظلم‌ستیزی خود همواره مورد توجه انقلابیون و جنبش‌های اصلاحی بوده است انقلاب اسلامی ایران نیز از این سرچشمه فیاض سیراب شده و از محتوای عالی آن الهام گرفته است شرایط اجتماعی و فرهنگی و سیاسی قبل از انقلاب اسلامی شبیه دوران بنی‌امیه بود. ظلم و فساد و ستم سایه سیاه خود را بر همه جا گسترده بود، اسلام مورد تهاجم قرار گرفته بود و ارزش‌ها به ضد ارزش و منکر به معروف و معروف به منکر تبدیل شده بود. عیاشی و خوش‌گذرانی طاغوت حیف و میل بیت‌المال شرایطی را به وجود آورده بود که تنها با حرکت‌های اصلاحی امید اصلاح و دگرگونی وجود داشت امام امت با الهام از انقلاب امام حسین (ع) مفسد رژیم طاغوت را برشمرد و با تبیین مفسد معاویه و یزید و عمال آنها ذهن‌ها را به مفسد و ظلم و ستم طاغوتیان زمان منتقل می‌کرد. به تعبیر امام امت «اگر قیام حضرت سیدالشهداء (ع) نبود، امروز ما هم نمی‌توانستیم پیروز شویم» «واقعه عظیم عاشورا از شصت و یک هجری تا خرداد چهل و دو و از آن تا قیام عالمی بقیه‌الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - در هر مقطع انقلاب ساز است» بهره‌هایی که انقلاب امام حسین (ع) به پیروزی انقلاب اسلامی رساند فراوان بود که در این جا مجال پرداختن به همه آنها وجود ندارد. به قول نویسنده کتاب فرهنگ عاشورا: «آنچه عاشورا داشت یک بار ایدئولوژیکی و انگیزه مکتبی برای مبارزه بود. این محتوا در ذهن رهبر انقلاب و در دل پیروان او شکل گرفت و نهضت را پدید آورد و پس از پیروزی هم هشت سال دفاع خونین از انقلاب را اداره و تغذیه کرد.»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهنانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهانندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

